اسناد افشا شده شرکت سونی: بن‌افلک در تلاش برای لاپوشانی حقایق شرم‌آور خانوادگی‌اش بوده است

اجداد بازیگر فیلم ضد ایرانی «آرگو» برده‌دار بوده‌اند

■ **الناز خمامی‌زاده**

اجداد بن‌افلک برده‌دار بوده‌اند؛ این یکی از جنجالی‌ترین اخباری است که به تازگی به دنبال هک شدن ایمیل‌های کمپانی سونی افشا شده است؛ افلک، بازیگر و کارگردانی است که فیلم بشدت ضد ایرانی «آرگو» را با موضوع تسخیر سفارت امریکا در تهران ساخته و ایرانی‌ها را مردمی خشن و یاغی نمایش داده است.

دردسرهای نمایش فیلم توهین‌آمیز «مصاحبه» علیه رهبر کره شمالی و اقدام تلافی جویانه هکرهای کره‌ای در هک کردن سایت کمپانی سونی که پخش کننده جهانی این فیلم بوده است برای هالیوودی‌ها تمامی ندارد؛ بر اساس اسنادی از کمپانی امریکایی سونی که هر از گاهی بخشی از آن افشا می‌شود حالا مشخص شده است که اجداد بن‌افلک برده‌دار بوده‌اند و این بازیگر در تلاش برای پنهان کردن این گذشته شرم‌آور و نیز مذاکره با رؤسای تلویزیون امریکا برای سرپوش گذاشتن بر این واقعیت بوده است.

افلک که با فیلم ضد ایرانی «آرگو» برنده جایزه اسکار شده است از تولیدکنندگان شوی تلویزیونی امریکایی «کشف ریشه‌های شما» خواسته است که برخی جزئیات را از داستان زندگی اجدادش بیرون بکشند و آنها را علنی نکنند. ظاهراً «هنری لوئیس گیتس» مجری این شوی تلویزیونی که یک استاد برجسته تاریخ در دانشگاه هاروارد امریکا است از این درخواست افلک به شکل بی‌سابقه‌ای رنجیده است اما با وجود تمام ناراحتی خود از این خواسته، واقعیات زندگی افلک را در این برنامه به نمایش نگذاشته است.

سایت افشاگر ویکی لیکس ایمیل‌های کمپانی سونی را به صورت آنلاین منتشر کرده است. هنوز مشخص نیست که این گروه طرفدار شفافیت در انتشار اخبار چگونه به این ایمیل‌ها دسترسی پیدا کرده است. ویکی لیکس این اسناد را به همراه ۳۰ هزار سند دیگر به انتشار رسانده است.

بعد از فاش شدن این واقعیت و پنهان شدن گذشته بن‌افلک از اذهان عمومی، «گیتس» در جمعه‌ای که گذشت به ناچار در بیانیه‌ای که نشان می‌دهد شمار بازیگران هالیوودی با پیشینه خانوادگی مشابه افلک کم نیست اعلام کرد: «از تمام مهمانانمان سپاسگزاریم که به ما اجازه دادند درباره زندگی شخصی‌شان بدانیم و در قسمت‌هایی که پخش شد صدها داستان را با ما در میان گذاشتند که بسیاری از آنها درباره اجداد برده‌دارشان بوده است. آنها از اینکه فصل‌هایی از گذشته ناخوشایند خانوادگی‌شان را با ما در میان می‌گذارند هرگز خجل نبودند.»

مجری برنامه تلویزیونی «کشف ریشه‌های شما» برای لاپوشانی واقعیتی که در این برنامه افشاگرانه از مردم پنهان کرده اینگونه ادامه داده است: «در نهایت من کنترل تحریریه همه پروژه‌هایم را در دست دارم و با تهیه‌کنندگان برنامه تصمیم گرفتیم روی بخش‌هایی از زندگی چهره‌ها متمرکز شویم که قانع‌کننده است. در مورد اجداد آقای افلک ما روی آنچه احساس می‌کردیم از جذابیت‌های بیشتری برخوردار است متمرکز شدیم از جمله اینکه یکی از اجدادش که در جنگ انقلاب امریکا حضور داشته یا مادرش که در سال ۱۹۶۴ میلادی در راهپیمایی صلح و حقوق مدنی شرکت کرده است.» ایمیل‌های افشا شده نشان می‌دهد که درخواست افلک، گیتس را وادار به مشورت با شرکت سونی کرده که در حال ساخت فیلم جدید «بت من در مقابل سوپرمن» با بازی بن‌افلک است. بعد از خروج کریستین بیل از پروژه «بت من» این اولین بار است که افلک نقش بت من را ایفا می‌کند. بر اساس ایمیل‌هایی که به تازگی افشا شده است شرکت سونی به مجری برنامه «کشف ریشه‌های شما» دستور داده تا بر اساس خواسته‌های افلک برنامه را ضبط و پخش کنند. گیتس، یک محقق برجسته آفریقایی با پیشینه آفریقایی – امریکایی است که در سال ۲۰۰۹ و طی منازعه شدید با یک مأمور پلیس در نزدیکی خانه‌اش در ماساچوست بازداشت شد و نامش بر سر زبان‌ها افتاد. در نهایت باراک اوباما دو طرف دعوا را به کاخ سفید دعوت کرد و در باغ کاخ سفید مراسم آشتی‌کنان برایشان برگزار کرد.

گیتس بعد از شنیدن درخواست افلک در مکاتبه‌ای با یکی از مسئولان تلویزیون امریکا نوشته است: «اجداد چهار یا پنج نفر از مهمانان ما در این برنامه برده‌دار بوده‌اند که از جمله آنها می‌توان به کن برنس، مستندساز و کارگردان فیلم‌های معروفی مثل «جنگ داخلی» اشاره کرد. تا به حال موردی نداشتیم که یکی از ما بخواهد یافته‌هایمان درباره اجداد او را سانسور کنیم. سانسور این حقایق حتی اگر پای بت‌من هم در میان باشد تخطی از قوانین تلویزیون ملی امریکا است. همین که در را به سوی سانسور باز کنیم کنترل برند و نام و اعتبار برنامه‌مان را از دست می‌دهیم.» با این وجود با اعمال سانسوری بی‌سر و صدا، جزئیات شرم‌آور درباره اجداد بین افلک هرگز روی آنتن تلویزیون ملی امریکا نرفت.

نگاهی به هنری نو که می‌تواند اشتغالزایی کند

«کاشیخط» تلفیقی از هنرهای باستانی و امروزی

■ **افسانه حیدری**

«کاشیخط» شیوه‌ای هنری است که از تلفیق هنر خوشنویسی و هنر موزائیک به روشی خاص حاصل می‌شود. به‌صورتی که تمامی حروف و کلمات و نقطه‌ها از برش انواع چوب و یا فلزات مختلف و لحیم جوش حاصل شده و به صورت پیچ شده روی سطح کار قرار می‌گیرد.

در این شیوه، از موادی چون فلز و چوب و سنگ استفاده می‌شود. در مورد ترکیب حروف با موزائیک (کاشی)، نکته قابل توجه چیدمان آن است، که به صورت تلفیقی در این هنر به کار رفته است، به نحوی که با چسب و ملات روی سطح تهیه شده چوبی یا هر سطح دیگری چون دیوار و میز و دیگر دکوراسیون‌ها استفاده و مهار می‌شود. هدف از تولید این آثار تلفیق هنر خوشنویسی سنتی ایران با هنر کلاسیک موزائیک (کاشی)، به شیوه‌ای نو می‌باشد که قابل استفاده در طراحی فضاهای امروزی و اماکن مختلف در فضاهای دکوراسیون فضای داخل و فضای بیرون می‌باشد، که قابلیت تولید در ابعاد مختلف (کوچک و بزرگ) را دارا می‌باشد. نکته اینکه هنر کاشیخط (مانند نقاشی خط و نقاشی قهوه خانه‌ای) هیچ گونه تأثیر سوئی بر دو هنر خوشنویسی و موزائیک نداشته و با آنها منافاتی ندارد، بلکه با ایجاد فضای تازه روح خاص و فضای جدید و دلنشینی را برای بیننده به‌وجود می‌آورد.

■ **ایده ابتدایی به‌وجود آمدن هنر کاشیخط**

پاییز ۹۰ در خانه تاریخی شیخ‌الاسلام در شهر اصفهان، اولین بار ایده ساخت آثاری با استفاده از هنر موزائیک و خوشنویسی توسط دو هنرمند به اسم نورالدین کرمی و گل آرا حلبیان مطرح شد. زمانی نیاز بود تا ایده پردازش شود و به پختگی لازم برسد. بعد از گذشت مدتی اجرای آثار کاربردی و تزئینی با تلفیق این دو تکنیک و با متریال متفاوت آغاز شد که این ایده پس از تلاش و ممارست بسیار و رفع اشکالات پیش آمده در حین کار و صرف زمان زیاد در طی ماه‌های متوالی در خانه قدیمی و تاریخی حلبیان (خانه آنا) به تولید آثار بدیع «کاشیخط» منجر شد. اکنون بعد از گذشت چند سالی ایده تلفیق کاشی و خط به «کاشیخط» تبدیل شده است.

■ **ویژگی آثار**

از ویژگی جالب هنر کاشیخط قابلیت بالای استفاده آثار تولید شده در هر مکان یا فضای مورد نظر است که اندازه در تولید این آثار دلخواه و در هر اندازه ممکن قابل اجراست. همچنین مقاومت بالای این آثار در برابر عوامل جوی محیط و قابل اجرا در هرگونه سطوح و اشکال مختلف و همچنین در انواع رنگ‌ها و طرح‌های متفاوت می‌باشد که باعث می‌شود این شیوه خود را متناسب با هرگونه فضا یا مکان، قرار دهد و چشم هر بیننده‌ای را نوازش دهد.

> **از ویژگی جالب هنر کاشیخط قابلیت بالای استفاده آثار تولید شده در هر مکان یا فضای مورد نظر است که اندازه در تولید این آثار دلخواه و در هر اندازه ممکن قابل اجراست**

■ **موارد کاربرد**

از این هنر در معماری ایرانی – اسلامی در تزئین و زیباسازی نمایی مصنوعات تولیدی (صنایع دستی)، دکوراسیون‌های داخلی و خارجی (نمای درونی و بیرونی) منازل شخصی، اماکن فرهنگی – مذهبی از جمله مصلی‌ها، مساجد، حسینیه‌ها، بقاع متبرکه امامزادگان، مقبره‌ها و یادمان‌های شهدای دفاع مقدس و همچنین هتل‌ها، رستوران‌ها، فضای داخلی بانک‌ها و مترو و پارک‌ها و دیگر ادارات و... می‌توان استفاده کرد. همچنین با توجه به زیباسازی شهرها به عنوان بخشی از خدمات مدیریت شهری شهرداری‌ها این هنر می‌تواند جایگاه ارزنده خود را به‌خوبی ایفا و در راستای تحقق سمبل‌های معماری اسلامی – ایرانی در ساختمان‌های مسکونی، اداری و تجاری به منصه ظهور برساند.

■ **اشتغال و کارآفرینی**

یکی از معضلات کنونی کشور ما چالش بیکاری جوانان و جویندگان کار است. توجه و اهمیت به این هنر و ترویج آن، می‌تواند زمینه‌های اشتغال‌های مناسب برای علاقه‌مندان را نیز فراهم نماید. با توجه به زنجیره مواد مصرفی این هنر که کاملاً در داخل کشور به فور تولید می‌شود و در دسترس قرار دارد، در صورت حمایت بخش‌های دولتی و خصوصی، این هنر و محصولات و خدمات مرتبط با آن، قادر به فراهم آوردن شغل‌های مناسب برای فارغ‌التحصیلان رشته‌های هنرهای دستی و دیگر علاقه‌مندان به کارگاه‌های کوچک خانگی خواهد بود.

■ **حامیان و سازمان‌های بهره‌بردار**

قابلیت انعطاف‌پذیری و تنوع‌پذیری این هنر و محصولات آن، زمینه خدمات‌دهی را به دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف و بخش خصوصی فراهم می‌کند. شهرداری‌ها، سازمان نظام مهندسی ساختمان، امور مساجد و اماکن مذهبی، مصلی‌ها و پیمانکاران بخش صنعت ساختمان و زیباسازی فضای شهری و تمامی ادارات و اماکن عمومی که در ارتباط مستقیم با مردم و ارباب رجوع در موارد متعدد می‌باشد، ظرفیت‌های جذب خدمات ناشی از هنر کاشیخط خواهند بود. کافی است اراده و خواست دست‌اندرکاران به فعلیت برسد آنگاه جلوه نمایی این هنر، چشمان هر ناظر و بیننده‌ای را در هر نما و دکوراسیون داخلی ساختمان و فضای زندگی، مجذوب خود خواهد کرد و رخوت و نازیبایی محیط زندگی و کار را به شکل هنرمندانه‌ای تزئین و جذاب می‌کند.

■ **نمایشگاهی برای عرضه این هنر**

به منظور آشنایی هنردوستان، سرمایه‌گذاران و علاقه‌مندان به هنر کاشیخط و محصولات آن، نمایشگاهی در روز جمعه مورخ ۲۸ فروردین ماه ۱۳۹۴ در گالری نی واقع در اقدسیه، خیابان موحد دانش، کوچه نیلوفر، پلاک ۳ در محل مؤسسه بین‌المللی اکو افتتاح گردیده است که تا تاریخ ۸ اردیبهشت‌ماه ادامه خواهد داشت. بازدید از این نمایشگاه رایگان است و علاقه‌مندان می‌توانند هر روز از ساعت ۱۰صبح الی ۱۹عصر از نزدیک از آثار زیبای کاشیخط دیدن نمایند.

عرصه نبرد در فضای مجازی را جدی بگیریم

■ **معصومه طاهری**

اخبار و آمار امنیتی شدن فضای سایبر مدت‌هاست که در ردیف اخبار اول رسانه‌ها شده و بسیاری بر این عقیده‌اند که این خود آغازی است بر «جنگ سایبری» بین دولت‌ها و نام آن را جنگ جهانی سوم گذاشته‌اند. مارک پالمر از استراتژیست‌های معروف امریکایی است که به عنوان نویسنده گزارش «ایران-امریکا»، صراحتاً اعلام کرده است ایران به لحاظ وسعت سرزمینی، کمیت جمعیت، کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی، منابع طبیعی سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل به قدرتی کم‌مانند تبدیل شده و دیگر نمی‌توان با یورش نظامی و جنگ سخت آن را سرنگون کرد. تنها راه مبارزه با نظام جمهوری اسلامی، پیگیری مکانیسم‌های جنگ نرم و استفاده از تکنیک‌های عملیات روانی تبلیغاتی با استفاده از سه تاکتیک دکترین «مهار»، «نبرد رسانه‌ای» و «ساماندهی و پشتیبانی از نافرمانی مدنی» است. برهمین اساس چند سالی است ایران در معرض جنگ سایبری غرب قرار گرفته؛ جنگ نرمی که مقام معظم رهبری مدت‌هاست به آن اشاره کرده‌اند و به مسئولان هشدار داده‌اند تا مراقب تاکتیک‌های نرم و غیرملموس دشمن در این نبرد نامتقارن باشند.

در واقع فراگیری بی‌سابقه رسانه‌ها و وسایل ارتباطات جمعی مدرن و نوین باعث شده تا افراد در معرض بمباران اطلاعاتی قرار بگیرند و این یعنی افزایش قدرت تأثیرگذاری رسانه‌ها در جنگ سایبری، برای همین مجریان و مسئولان فرهنگی باید یک رژیم رسانه‌ای معقول و منطقی تدوین کنند. به این صورت که برای چه منظوری و به چه میزانی نیاز به استفاده از چه منبع رسانه‌ای احساس می‌شود، زیرا چه بخواهیم و چه نخواهیم در معرض جنگ‌های قدرتمند رسانه‌ای قرار داریم که به‌خصوص مخاطبان عام به دلیل عدم شناخت فضای نبرد و دریافت همه وجوه پنهان شبهات تولید شده در این جنگ رسانه‌ای آسیب بیشتری می‌بینند.

بنابراین به‌جای اعتماد صرف به رسانه‌ها می‌بایست کاربران را آموزش داد و با سواد وارد این دنیای پیچ و پیچ مجازی کرد تا با نگاهی انتقادی و موشکافانه فعالیت داشته باشند و در عین حال، فرصت ایجاد یک پایگاه اطلاع‌رسانی قدرتمند اسلامی با درجه بالایی از اعتماد و اتکای مخاطبین را فراهم کرد، زیرا گرچه رسانه‌ها ذاتاً کارکردی دوطرفه و دوسویه دارند، اما بیشترین حجم بهره‌گیری از آن در دست نظام سلطه قرار دارد؛ چنانچه می‌توان به جرئت گفت حفظ و گسترش قدرت استکباری نظام سلطه به حضور و ظهور رسانه‌ها وابسته است؛ چراکه رسانه‌ها پل ارتباطی و بلکه وسیله تسلط بر افکار عمومی به شمار می‌آیند. بحران هویت و غرق شدن در سیلاب شبهات از پیامدهای پنهان جنگ سایبری است، که رسانه‌ها عامل اصلی آن هستند بنابراین لازم است تا ضرورت جهاد مجازی را با تمام جزئیاتش مطرح کرد و نیروهای جوان ارزشی ما ابتکار عمل را به دست گرفته و سلاح فعالیت در حوزه فضای مجازی را به دست بگیرند. امروز جنگ، جنگ نرم در فضای مجازی است و پایگاه‌های بسیج می‌بایست در کنار فعالیت‌های مربوط به حوزه کاری بسیج، مراکز قدرتمند تولید محتوای دیجیتال شوند و در عرصه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود را تجهیز کنند.

در جلسه نقد و بررسی فیلم «تا آمدن احمد» مطرح شد

فضای فاشیستی سینمای روشنفکری در عرصه نقد

■ **محمدصادق عابدینی**

محمدتقی فهیم منتقد پیشکسوت سینمای ایران معتقد است، فضای روشنفکری سینما باعث شده تا منتقدان جرئت نداشته باشند علیه این آثار حرف بزنند.

به گزارش «جوان» محمد تقی فهیم در نشست نقد و بررسی فیلم سینمایی «تا آمدن احمد» گفت: هم اکنون فضای اکران از ما گرفته شده و فاشیسم بر فضای نقد حاکم گردیده است به طوری که نمی‌توان از فیلم‌های روشنفکری حتی انتقاد کرد. برخی از منتقدان درباره این فیلم‌های روشنفکری به خودمان می‌گویند که فیلم ضعیف است اما در رسانه‌ها جرئت ندارند این را بگویند چراکه می‌ترسند پز روشنفکری‌شان خراب شود. این منتقد افزود تا به حال هر چه تلاش و کوشش بوده از آن طرف بوده؛ کسانی که می‌خواهند اکران و فضای سینما را از ما بگیرند. در صورتی که اگر ما خوب فیلم بسازیم حتی کسانی هم که در فضای این موضوعات نیستند به دنبال آن خواهند آمد.

این منتقد سینمای ایرانی با بیان اینکه گونه سینمایی دفاع مقدس بعد از انقلاب شکل گرفته است، گفت: ما نمی‌توانیم بدون داشتن سینمای دفاع مقدس ادعای داشتن سینمای بومی داشته باشیم. همه گونه‌های سینمایی حتی ملودرام را می‌توان در زیرمجموعه سینمای دفاع مقدس آورد و به آن پرداخت.

فهیم در نقد و بررسی «تا آمدن احمد» نیز گفت: این فیلم دومین اثر کارگردان آن است که پیش از این نیز در فیلم «بزرگ مرد کوچک» به سینمای دفاع مقدس پرداخته بود. ما به دلیل موضعی که نسبت به چنین فیلم‌هایی داریم به دلیل دغدغه‌هایمان حتی نمی‌توانیم برای آنها واژه ضعیف به کار ببریم و در برابرشان موضع بگیریم.

صادق صادق دقیقی کارگردان فیلم «تا آمدن احمد» در پاسخ به ایراد کند بودن فیلم گفت: «تا آمدن احمد» کوبنده شروع می‌شود اما در اواسط فیلم کند شد و در انتها باز کوبنده به پایان رسید. کارگردان فیلم علت اصلی ضعف آن را عدم همکاری شرکت نفت برای فیلمبرداری از جزیره خارک عنوان کرد و گفت شیار ۱۴۳ نیز فیلم کندی است: اگر می‌گذاشتند فیلم را در جزیره بگیریم این اتفاق نمی‌افتاد. ما مجبور بودیم برای پر کردن جای خالی تصاویر جزیره بیشتر به تصاویر بسته درون خانه بپردازیم که همین باعث کند شدن فیلم شد.

پروانه مرزبان تهیه‌کننده این فیلم نیز با تأیید حرف‌های کارگردانش گفت: شرکت نفت اگر کمک می‌کرد، اگر تعدد لوکیشن نداریم و فیلم کند است به دلیل این است که نتوانستیم در خارک فیلم بگیریم. ما ۵۰ نفر بودیم که با هواپیما به خارک رفتیم وقتی از هواپیما پیاده شدیم و از در فرودگاه به داخل رفتیم از در دیگر ما را برگرداندند و سوار هواپیما کردند. این برخورد نیروهای ما را ناراحت کرد اما اذیت‌کننده‌ترین چیز این بود که به ما گفتند مگر در اینجا هم جنگ بود؟! بعد گفتند به دلایل امنیتی نمی‌توانید در خارک فیلم بسازید در صورتی که یکی از دستیاران فیلم ما گفت من شش ماه قبل برای ساخت یک تله فیلم به جزیره آمدم و در اینجا فیلم گرفتیم موضوع آن هم این بود که یک دختر و پسر به جزیره می‌آیند تا از آنجا با هم به دوبی فرار کنند!

شفیع آقامحمدیان کارشناس سینما و مدیر سابق مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی که در نشست حضور داشت، گفت: باید قبول کنیم که ما در تولید فیلم جنگی قافیه را باخته‌ایم. دغدغه‌ها و فشارهایی که روی فیلمساز می‌آید آنقدر زیاد است که وقتی پشت دوربین قرار می‌گیرد یادش می‌رود چه سکانسی می‌خواسته بگیرد. باید به فیلمسازانی که می‌خواهند فیلم جنگی بسازند کمک شود به خصوص در بخش فیلمنامه. هم اکنون نهادهای زیادی از جمله بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و حوزه هنری هستند که باید به سینمای دفاع مقدس کمک کنند اما کاری نمی‌کنند، گویا منتظرند دوباره جنگ شود که یادشان بیفتد و کاری بکنند.

سالن‌های حوزه هنری هر روز خلوت‌تر از دیروز!

■ **محراب محمدزاده**

«خاموشی مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری در پی خاموشی سالن‌ها؟» تیتر خبری بود که چندی پیش درباره وضعیت امروزی سالن‌های نمایش حوزه هنری منتشر شد. تیتری که در تحلیلی متوهمانه در نسبت با نام جناب حجت‌الاسلام والمسلمین خاموشی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی که حوزه هنری زیرمجموعه آن برشمرده می‌شود، تفسیر شد. تفسیری که بحث را به انحراف و حاشیه کشاند تا کم‌کاری برخی مدیران و بی‌استفاده نگه داشتن ظرفیت‌های لجستیکی جبهه فرهنگی انقلاب برای پویا کردن این عرصه دیده نشود و چند مدیر مربوطه که می‌بایست به رئیس خود، پاسخ بدهند با طرح معمول بحث‌ها و تفسیرهای محفلی از این پاسخگویی گریزان شوند و هنوز معلوم نیست این مدیران چند بار با توبیخ احتمالی یا بازخواست مستقیم و غیر مستقیم حجت‌الاسلام والمسلمین خاموشی مواجه شده‌اند؟

امسال چهاردهمین سال حضور حجت‌الاسلام و المسلمین مهدی خاموشی در سازمان تبلیغات اسلامی است. سازمانی که رهبر انقلاب از آن به عنوان حسنات انقلاب اسلامی یاد می‌کنند. با آغاز سال ۹۴ امید می‌رفت که این سازمان در عرصه هنرهای نمایشی دوباره حضوری فعال داشته باشد، اما آنچه تاکنون پدیدار شده یادآور اتفاقات چهار سال گذشته است. شاید اگر آن زمان مقصود نگارنده حجت‌الاسلام و المسلمین خاموشی نبود، اما امروز فارغ از برداشت‌های صورت گرفته و عملکرد تغییر نکرده موجود، به نظر می‌رسد حل این مسئله تنها در گرو رویکرد مدیریت سازمان تبلیغات اسلامی است.

اگر تئاتر کشور طی دو سال اخیر بدترین شرایط خودش را سپری کرده است، حوزه هنری این روند را از چهار سال پیش آغاز کرده است. روندی که برخی آن را در مدیریت رحمت امینی می‌بینند، برخی نشئت گرفته از مدارای مدیریتی محسن مومنی شریف و برخی مسئله را بزرگ‌تر از آن یعنی در رویکرد حجت‌الاسلام و المسلمین خاموشی جست‌وجو می‌کنند. حوزه هنری ظرفیت بسیار بالایی در زمینه امکانات دارد، اما محدود شدن آن به برگزاری یک یا دو جشنواره محدود با اثرگذاری بسیار پایین باعث شده است که این انتقادها روز به روز در میان اهالی هنر و مخاطبان فراگیرتر شود.

در سالن‌های حوزه هنری تنها در ۱۰ روز برگزاری جشنواره سوره ماه باز می‌شود و متأسفانه این روند تبدیل به یک اپیدمی در تهران و شهرستان‌ها هم شده است. این روزها دیگر حوزه هنری مانند گذشته پر فروغ نیست و تالارهای نمایشی‌اش در اکثر ایام سال خالی هستند. برخی هم مغرضانه این طور تفسیر می‌کنند که گویا «کفگیر هنر انقلاب به ته دیگ خورده است». البته آنها هیچ‌گاه صف هنرمندان متعهد و دارای ایده را ندیدند که تنها مدیریت بد، انگیزه آنان را کشته و ذوقشان را در درونشان خفه شده نگه داشته است. بخشی از مدیران امروز حوزه در مرکز هنرهای نمایشی گویا با سخنرانی در این نشست و آن نشست یا با حضور در مجالس تکراری بزرگداشت گرفتن‌ها بیشتر سرگرم شده‌اند تا کادرسازی برای جبهه فرهنگی انقلاب. یا حتی سرمایه‌گذاری یا حداقل قرار دادن سرمایه‌ها در اختیار ظرفیت‌های مردمی و خودجوش جبهه فرهنگی انقلاب. انگار که حوزه هنری آدم‌های آرمانی و انقلابی‌اش را در عرصه نمایش از دست داده است.

حوزه هنری در دل خود یک مجموعه کامل از سالن‌های تئاتر، سینما و موسیقی را دارد. اما به نظر می‌رسد خروجی چند دفتر فرهنگی مستقل کوچک در جای جای این کشور، که عرض و طولشان یک هزارم این سازمان و حوزه هم نیست، خیلی بیشتر است. کافیست به مجموعه فرهنگی سرچشمه، دفتر فرهنگی راه و... مراجعه شود تا در برابر پویایی آنها قدری میرایی روحیه جهادی و انقلابی در حوزه هنری بیش از پیش نمایان شود. این نهاد در صورت فعال کردن سالن‌های خود در سه حوزه تئاتر، سینما و موسیقی می‌تواند روزانه پذیرای حداقل چند هزار نفر مخاطب باشد. البته این میزان می‌تواند به چند برابر نیز افزایش پیدا کند، اما مسئله این است که حوزه هنری این روزها برای جمعیت ۱۸میلیونی تهران همین میزان اندک سرانه فرهنگی را نیز در نظر نگرفته و فضای کارمندی نشئت گرفته از مدیریت ضعیف آقایان مدیر، بر فضای زنده و پویای مورد پسند جامعه هنری هم سایه انداخته است. این یک فاجعه در عرصه فرهنگی به حساب می‌آید و نتیجه حداقلی آن این است که این روزها حوزه هنری بیشتر یک خاطره است تا محیطی فرهنگی برای مردم. حوزه هنری این روزها تنها به سبب استعداد، مدد و تلاش نیروهای ادبی و نویسنده‌های خردمند و تلاشگری که آن جا فعالیت می‌کنند، روی پاهایش تاب می‌خورد و در عرصه لااقل هنرهای نمایشی، چیزی برای عرض اندام ندارد.

اجراهای پراکنده تئاتر در حوزه هنری باعث شده است تا این مجموعه کمتر مورد توجه قرار گیرد و برخی آثار با کمبود مخاطب روبه‌رو شوند. البته در این میان آثاری که بلافاصله پس از جشنواره سوره ماه روی صحنه می‌روند، با استقبال بی‌نظیری مواجه می‌شوند، اما چه می‌شود که این استقبال در طول سال استمرار ندارد؟

«محدودیت‌های حوزه هنری در ورود و خروج مخاطبان و هنرمندان به محوطه حوزه هنری» ادعایی است که دستمایه برخی مدیران شده است که این سیستم را در غیاب و پشت سر مدیران برتر خود علت و توجیه دم دستی بی‌عملی و ناکارآمدی خود بیان می‌کنند. آیا مدیرانی که اعتقاد به این سیستم ندارند، در باقی ماجرا هم با مدیران رده بالای خود صادقند؟

> **اگر تئاتر کشور طی دو سال اخیر بدترین شرایط خودش را سپری کرده است، حوزه هنری این روند را از چهار سال پیش آغاز کرده است. روندی که برخی آن را در مدیریت رحمت امینی می‌بینند**

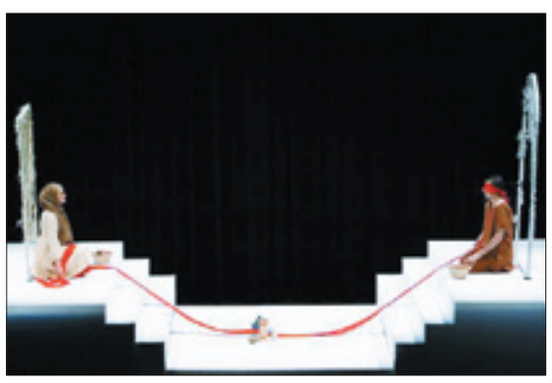

پخش تصاویر دیده نشده از واقعه طبس در «سیمرغ»

مستند «سیمرغ» ویژه واقعه طبس تولید شد. این مجموعه با بهره‌گیری از تصاویر آرشیوی و به یاد ماندنی واقعه طبس که تاکنون دیده نشده است، به این رویداد و روزهای پر شور مردم سراسر ایران اسلامی در سال‌های اول انقلاب می‌پردازد. واقعه طبس ماجرای عملیاتی نظامی توسط نیروی دلتا امریکا برای آزادسازی امریکایی‌های گروگان گرفته‌شده توسط دانشجویان پیرو خط امام در تهران بود که به طرزی ناباورانه در صحرای طبس گرفتار و نهایتاً با شکست مواجه شد و هشت تن از نظامیان امریکایی در این واقعه کشته شدند. «سیمرغ» با الهام از سیمرغ افسانه‌ای، به همت و اراده مردم سرزمینی می‌پردازد که در سیر و حرکت انقلابی خود، به وحدت و همدلی رسیده‌اند. در این مجموعه مستند آرشیوی گنجینه‌ای از تصاویر خاطره‌انگیز و دیده نشده یا کمتر دیده شده‌ای از وقایع انقلاب اسلامی به نمایش در می‌آید و در مناسبت‌های مختلف از شبکه مستند سیما پخش می‌شود. «سیمرغ» به زودی و به مناسبت ۵ اردیبهشت سالگرد واقعه طبس از شبکه مستند سیما پخش خواهد شد.